

بررسی تطبیقی بافت موقعیت(برون زبانی) از دیدگاه فرث، هایمز و لوئیس با سیاق حالیه

مرضیه رستمیان: * دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد
سید کاظم طباطبایی: استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

دوفصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته ای قرآن کریم
سال دوم، شماره چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۲۹-۳۶
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۶/۱۴

چکیده

توجه به سیاق حالیه با هدف دستیابی به فهمی جامعتر از عبارات قرآن، شباهت بسیار زیادی به مفهوم بافت برون زبانی(موقعیت) در زبان شناسی دارد از همین رو نگارنده سعی نموده، ابعاد مختلف سیاق حالیه با توجه به شباهت هدف با بافت برون زبانی و موقعیتی با نظر به دیدگاه های سه زبانشناس مطرح در این زمینه فرث، هایمز و لوئیس به صورت تطبیقی واکاوی کند. آنچه بیشتر در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته، بررسی تطبیقی سیاق حالیه با مختصاتی است که هایمز و لوئیس به عنوان مختصات بافت برون زبانی یا بافت موقعیت مطرح کرده اند. این مختصات به شرح زیر است: جهان ممکن، زمان، مکان، گوینده، مخاطب، مورد اشاره، مطالب گذشته، تخصیص.

کلید واژه ها: سیاق حالیه، بافت برون زبانی(موقعیت)، فرث، هایمز، لوئیس

بیان مسأله

منظور از بافت (context) در زبان شناسی، ذیل مبحث معنی شناسی کاربردی؛ فضایی است که جمله‌های زبان در آن تولید می‌شود که منظور آن، شبکه روابطی است که میان صورت (دستور و واژگان) و جهان بیرون وجود دارد و در حقیقت معنای خارجی زبان را تشکیل می‌دهد. [۱] و این فضا می‌تواند محیط بیرون از زبان (بافت برون زبانی) Situation context or the nonlinguistic) و یا داخل زبان و متنی باشد که به صورت مجموعه‌ای از جمله‌های زبان پیش و پس از هر جمله آمده است. (بافت درون زبانی) (context or linguistic verbal context) [۲]

اینک بعد از آشنایی با مفهوم بافت در زبان شناسی، ضروری به نظر می‌رسد که به مفهوم سیاق، در مطالعات قرآنی نیز نظری بیفکنیم؛ تبیینی که شهید صدر برای اصطلاح سیاق ارائه داده‌اند به شرح زیر است: «مقصود ما از سیاق هر گونه دلیل دیگری است که به الفاظ و عباراتی که می‌خواهیم آنها را بفهمیم پیوند خورده است. خواه این قرینه از مقوله الفاظ باشد، مانند کلمه دیگری که با عبارت مورد نظر، یک سخن بهم پیوسته را تشکیل می‌دهند؛ خواه حالی باشد، مانند اوضاع و احوال و شرایطی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است و در فهم موضوع و مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشنگری دارد.» [۳]

همانطور که مشاهده می‌شود تحقیقات زبان شناسان در رابطه با بافت و این مهم که بافت سخن به نوبه خود مبتنی بر یک رشته عناصر درونی و یک سلسله عوامل بیرونی است و هر یک از این عوامل بیرونی و درونی در جایگاه خود به عنوان سازنده‌های معنای جدی، ایفای نقش می‌کنند، با تعریفی که شهید صدر از سیاق ارائه داده‌اند، شباهت‌های بسیاری دارد، زیرا صحیح است که قرآن پژوهان و مفسران سلف، سیاق را بیشتر در قالب قرائن پیوسته لفظی (عوامل درون متن) استفاده می‌کرده‌اند. اما باید دانست آنها از علوم چون مکی و مدنی، اسباب نزول و... (عوامل برون متنی یا سیاق حالیه) برای دریافت معنای عبارت، آیات و سوره‌های قرآن مدد می‌گرفتند و زبان شناسان جدید هم این دسته از علوم را از آن لحاظ که در فهم معنای عبارت در کنار عوامل لفظی دیگر مؤثرند در زمره بافت برون زبانی قرار می‌دهند.

بعد از آشنایی با دو مفهوم سیاق حالیه (عوامل برون متنی) و بافت برون زبانی در دنباله سخن سعی خواهد شد، ابعاد مختلف سیاق حالیه با توجه به شباهت با بافت برون زبانی به صورت تطبیقی واکاوی شود و این مهم از آن جهت است که تاکنون سیاق مقالیه (بافت درون زبانی) به قدر مستغنی در تحقیقات گذشته قرآن پژوهان، مورد مذاقه، قرار گرفته است.

«سیاق» به عنوان مبنای اصلی ساخت کلام نقش عمده‌ای در فهم مراد متکلم دارد. از همین رو می‌توان سیاق را مطمئن‌ترین و مهمترین ابزار مفسر برای ورود به نصوص به ویژه آیات قرآنی دانست. بنابراین شناخت جامع مقدمات و ابعاد آن و کاربردی کردن مباحث مربوط به سیاق می‌تواند گامی سازنده در ارتقای مباحث تفسیری به شمار آید. پژوهشگر در این پژوهش بر آن است که با پرداختن به یکی از ابعاد سیاق که عبارت است از سیاق حالیه و بررسی تطبیقی این مهم با بافت موقعیت در زبان شناسی و واکاوی شباهت انواع آنها با یکدیگر، به کاربردی نمودن این ابزار مهم در تفسیر، یاری رساند.

سؤالات تحقیق

- ۱- آیا سیاق حالیه همچون بافت برون زبانی دارای مقدمات، انواع و خصوصیات مختلف است؟
- ۲- چگونه می‌توان با نگاه تطبیقی به بافت برون زبانی و سیاق حالیه، به راهکارهای جدیدی برای فهم بهتر قرآن، در مطالعات قرآنی دست یافت؟

روش تحقیق

در این پژوهش، ابتدا با جمع‌آوری اطلاعات و بر گه نویسی از منابع، که در سه حوزه‌ی کتاب‌ها و مقالات زبان شناسی جدید، نوشته‌های زبان شناسان کلاسیک عرب مثل کتب فقه اللغة، بلاغت و... به احصاء موضوعات مختلف در رابطه با تحقیق پرداخته شد. در گام بعدی این پژوهش، پس از تجزیه و تحلیل فیش‌های به دست آمده، تدوین مباحث به روش استقرایی آغاز شد. در این شیوه، ابتدا فیش‌هایی که دارای مفاهیم مشابه و مربوط به یکدیگر بود، ذیل موضوعات جزئی درج گردید و سپس در قالب موضوعات کلی‌تر مرتب شدند. در تمام این مراحل، رابطه منطقی مطالب، مفاهیم و موضوعات، اساس تدوین قرار داشت.

سیاق، بافت

سیاق به عنوان یکی از بااهمیت‌ترین عناصر فهم متن، دارای نقش ویژه‌ای در دریافت مقصود متن است. از همین رو با توجه به اهمیت و کاربرد سیاق، در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای به آن معطوف شده است؛ اما باید دانست، پژوهش‌های صورت گرفته در بیشتر مواقع، فارغ از نگاه بین‌رشته‌ای بوده است و این در صورتی است که نگاه تطبیقی به مبحث بافت با هدف دستیابی به فهمی جامع‌تر از عبارات قرآن، از جهات بسیاری راهگشاست.

۱- بافت برون زبانی

همانطور که اشاره شد در معنا شناسی یکی از دو گونه بافت را بافت برون زبانی (حالیه) تشکیل می دهد، که جمله های زبان، در آن کاربرد می یابند و این بافت، در تغییر معنی دخیل بوده و بافت موقعیتی نامیده می شود و فضایی به حساب می آید که زبان در آن جریان دارد. [۲]

شهید صدر نیز سیاق حالیه را بر اساس آن چه بیان شد، اوضاع، احوال و شرایطی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است و در فهم موضوع و مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشنگری دارد، می داند. [۳]

۱-۱- پیشینه توجه به بافت و سیاق در فهم متون زبان شناسی مکتب لندن به رویکرد بافتی (contextual approach) یا رویکرد عملی (operational approach) مشهور است. اصطلاح بافت موقعیت (situation context of) را نخست براون مالینوفسکی (Malinowsky) (۱۹۴۲-۱۸۸۴) مردم شناس لهستانی الاصل که بیشتر عمر خود را در انگلستان گذرانده بود به کار برد.

وی جمله را داده اصلی زبان و ابزار اجتماعی بسیار مهمی می دانست و از همین رو زبان را پدیده ویژه رفتاری نه نشانه ای در برابر فکر در نظر می گرفت. به این ترتیب مالینوفسکی معتقد بود که معنی هر گفتار، تنها در بافت موقعیت آن مشخص می شود. [۴]

پس از مالینوفسکی، فرث (Firth) (۱۸۹۰ تا ۱۹۶۰)، زبان شناس انگلیسی، از وی اثر پذیرفت. فرث معتقد بود که معنی، عبارت است از «نقش» در «بافت».

از این لحاظ، فرث تا حدودی تحت تأثیر مالینوفسکی بود که پیش از او مفهوم بافت موقعیت را مطرح کرده بود. اما نکته بسیار مهمی که فرث را از دیگر زبان شناسان عصر خود مجزا می کند این است که فرث بر خلاف زبان شناسان دیگر که جمله را داده اصلی در بررسی زبان می دانستند، متن زبانی را در بافت موقعیت به عنوان داده واحد بررسی، در نظر می گرفت و به ویژه بر تحلیل نوایی متن (لحن بیان مطلب) تأکید داشت. [۴]

در حالی که با نگاه، به پیشینه مطالعات علمای مسلمان در زمینه ی فهم متن می توان گفت، بلاغت شناسان مسلمان وقتی مسأله مقام و موقعیت را مطرح نمودند، هزار سال پیش تر از زمان خود حرکت کرده اند. [۵] زیرا مسأله مقام و مقال که اندیشه زبان شناسان معاصر، امروزه بدان می نگرد مباحثی است که به عنوان پایه های اساسی تحلیل معنا در عصر جدید به شمار می روند. [۵]

فارغ از بلاغت شناسان، علمای اصولی مسلمان نیز با در نظر گرفتن سیاق و موقعیت گوینده و مخاطب سخن، نقش و کارکرد این موقعیت ها را در تعیین و چگونگی معنای متن،

مطرح کرده اند. شاطبی، یکی از علمای اصولی، می نویسد: علم معانی و بیان که به وسیله آن اعجاز نظم سخن و مقاصد کلام عرب شناخته می شود، براستی نمایش اقتضای حال و موقعیت است، موقعیت و حال خطاب از جهت خود خطاب یا گوینده و شنونده و یا هر دو؛ زیرا یک سخن بر حسب موقعیت های متفاوت و مخاطبان مختلف و امور دیگر، قابل فهم های متفاوت است. [۶]

۱-۲- مراحل تحلیل زبان بر پایه بافت موقعیت از نظر فرث در این قسمت مقاله به بررسی دیدگاه فرث جهت واکاوی بهتر بافت موقعیت می پردازیم. فرث بافت موقعیت را به عنوان یکی از ابزارهای مورد استفاده ی زبان شناس، یا بهتر بگوییم یکی از روش های توصیف زبان تلقی می کرد کما اینکه دستور را نیز ابزار دیگری، البته با شکلی متفاوت ولی با ماهیت انتزاعی مشابه، برای توصیف زبان می دانست. [۷] بدین ترتیب از نظر فرث تمامی انواع توصیفات زبانی از قبیل واج شناسی، دستور و غیره و بافت موقعیتی بیانگر معنی هستند و توصیف معنی بر حسب بافت موقعیتی، تنها یکی از ابزارهای است که یک زبان شناس برای مطالعه زبان می تواند بکار گیرد و با سایر ابزارهای زبان که وی برای دستیابی به معنا، در اختیار دارد تفاوت چندانی ندارد. [۷] با این تفصیل، می توان مراحل تحلیل زبان بر پایه بافت موقعیت از نظر فرث را این گونه مطرح ساخت:

۱-۲-۱- روابط درونی متن زبانی تحلیل شود
الف: روابط همنشینی موجود میان عناصر ساخت زبانی مورد نظر در سطوح گوناگون تحلیل و مشخص می گردند.
ب: روابط جانشینی عناصر یا واحد هایی که می توانند در درون نظام به جای یکدیگر جایگزین شوند بررسی شوند تا از این راه ارزش آنها مشخص گردد.

۱-۲-۲- روابط درونی بافت موقعیت مشخص شود
الف: عناصر متن زبانی در ارتباط با عناصر غیر زبانی با توجه به ویژگی های مؤثر و خلاق آن مشخص شوند.

ب: روابط تحلیلی موجود میان سنجش های متن زبانی به عنوان مثال، واژه ها، تکواژها، گروه ها و عناصر با بخش های درون بافت موقعیت مانند: پدیده ها، اشخاص، شخصیت ها و رویدادها نشان داده می شوند. [۴]

با نظر به تحقیقات دانشوران اسلامی، آنچه مهم است این که مختصات ذکر شده برای فهم دلالت های متن قرآن، از آن جهت که قرآن از جنس متن است، البته جدا از جنبه اعجاز گونه اش، قابل تسری است. البته به این مهم باید توجه نمود که مفسران و دانشوران علوم قرآنی با این مفاهیم بیگانه نبوده و گاه از برخی از این عنوان ها در جهت

شناس آمریکایی بیشتر به بررسی زبان با ارتباط قوم نگارانه می پردازد.

ارتباط قوم نگارانه بدین معنا که افراد جامعه با آنکه به طبقات خاصی با فرهنگ خاص خود تعلق دارند چگونه با یکدیگر گفتگو می کنند و چگونه روابط اجتماعی حاکم بر افراد، بر انتخاب گونه زبانی که به کار می برند تأثر می گذارد و یا موضوعاتی همچون، روابط بین کودکان و بزرگسالان، مصاحبه ها، مکالمات تلفنی، رعایت نوبت سخن گفتن، چگونه بین گوینده و شنونده تنظیم می شود. وی معتقد بود که زبان نباید جدا از اجتماع و در انزوا مورد بررسی قرار گیرد. [۴]

از سوی دیگر هایمز معتقد بود کسی که دارای توانش ارتباطی است باید بداند که یک صورت زبانی تا چه حد مناسب یک بافت اجتماعی معین است و نیز از میزان بسامد و تازگی یا کاربرد یک صورت زبانی و میزان احتمال وقوع آن مطلع باشد. از نظر او تعریف توانش زبانی انسانها به صورتی که در زندگی روزمره آن ها مورد استفاده قرار می گیرد باید از توصیف جمله های دستوری فراتر رود. او اذعان می دارد که ما باید این واقعیت را توجیه و تبیین نمائیم که کودک در شرایط عادی و طبیعی دانش جمله های زبان را نه تنها از نظر دستوری بودن، بلکه از نظر مناسب بودن نیز کسب می نماید. کودک این توانش را کسب می کند که چه وقت در باره چه کسی، کجا، کی و چگونه صحبت نماید. کودک صاحب توانایی ای می شود که بتواند مجموعه ای از کنشهای زبانی را اجرا کند. [۴]

بدین ترتیب هایمز با بسط زبانی، صحت یک صورت زبانی را تنها به صورت دستوری کافی ندانسته بلکه کاربرد صحیح آن را در چارچوب قوانین و قراردادهای اجتماعی و فرهنگی نیز ضروری می داند. این روش بررسی و توصیف کاربرد صورت های زبانی و توانش ارتباطی روش «قوم نگاری گفتار» نام گرفته است، در چارچوب این روش واحد بررسی و تحلیل زبان تنها جمله نیست بلکه رویداد گفتاری (speech event) است. [۴]

از نظر هایمز رویداد گفتاری یک تعامل اجتماعی است که در آن زبان، نقش عمده ای ایفا می کند. البته باید دانست که در اکثر فعالیت های انسانی، گفتار یا زبان به کار می رود، ولی تنها در پاره ای از آن ها گفتار و یا قوانین تعامل زبانی تعیین کننده خود تعامل به حساب می آیند. در یک محاکمه، سخنرانی، دفاع از پایان نامه دانشگاهی، مصاحبه و یا مکالمه تلفنی نقش زبان و گفتار حیاتی است و بدون وجود آن رویداد یا تعامل موجودیت خود را از دست می دهد. در پاره ای دیگر از تعاملات اجتماعی مانند رویدادهای ورزشی یا رفتن به گردش، زبان نقش چندان

ارائه تفسیر بهتری از آیات استفاده کرده اند، ولی شاید این نکته در ذهنشان حاضر نبوده که این استفاده در راستای کاربردهای بافت موقعیت یا برون زبانی یا سیاق حالیه می باشد.

فارغ از همه اینها، از دلایلی که ضرورت استفاده از بافت موقعیت و برون زبانی را در مطالعات قرآنی تشدید می کند، نزول تدریجی آیات قرآن است. عنصر نزول تدریجی، خود پایه و مبنای عناوین دیگری چون: اسباب نزول، مکی و مدنی، مخاطبان و... شده است، که منعکس کننده ظرف ظهور متن و موقعیت های فکری، فرهنگی و اجتماعی عصر نزول وحی و شیوه برقراری ارتباط خداوند با واقعیات و فرزاد و فرود های دوران نهضت دینی حضرت محمد(ص) و تناسب سخن با مقتضیات و موقعیتهاست. [۸] بنابراین در رویکرد دانشمندان تفسیر و علوم قرآنی این توجه وجود دارد که شناخت محیط و فضای خطاب قرآنی چون وضع و حال دینی، فرهنگی اخلاقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، جغرافیایی، همه و همه می تواند در شناخت معنای متن قرآن که در چنین محیطی نزول یافته، اثر بخش باشد. [۸] البته باید به این نکته نیز توجه داشت که متن قرآن بر اساس حکمت الهی به عنوان راهنمای بشریت تا لحظه قیامت تقریر شده و صحیح است این متن و محتوا در شرایط مختلف از باب هماهنگی با شرایط نزول یافته اما شرایط مکانی و مخاطبان هیچ تأثیری در اصل متن و هدف متن نداشته است.

در مقدمه تفسیر المنار به این حقیقت اشاره شده است که اگر چه خطاب خداوند در قرآن، متوجه کسانی است که در زمان نزول قرآن می زیسته اند، اما آنها از آن جهت که از ویژگی هایی در شخصیتشان برخوردار بودند مورد خطاب قرار نگرفته اند، تا این ویژگی سبب شود قرآن تنها به آنها اختصاص یابد، بلکه آنها از آن رو که فردی از افراد نوع بشر بوده اند مورد خطاب واقع شده اند و تنها خصوصیتشان این بوده که حیاتشان در این دنیا با این ایام مصادف گردیده است. [۹]

پس مخاطبان قرآن، امروز می توانند با در نظر داشتن شرایط و موقعیت های نزول قرآن، به فهمی جامع از آیات قرآن دست یابند.

۱-۳- بافت موقعیت (برون زبانی) از نظر هایمز و لوئیس از آغاز دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط افرادی چون سادوک (J. M. Sadock)، تحت تأثیر آراء هایمز (D. Hymes) که خود متأثر از دیدگاه فرث (J. R. Firth) بود، بحث درباره بافت برون زبان یا موقعیتی به منزله یکی از حیاتی ترین عوامل حاکم بر تحلیل گفتمان، بالا گرفت. آراء دل هایمز (۱۹۷۴)، مردم شناس اجتماعی و زبان

۱-۳-۵- مخاطب، برای فهم صورت هایی چون تو و شما در رابطه با مختصات گوینده و مخاطب، باید گفت که در همین رابطه مختصه دیگران برای فهم صورت هایی چون آنها و او نیز مهم به نظر می آید که در بیان لوئیس از آن غفلت شده است از سوی دیگر باید توجه نمود که سادگی این صورت ها، نباید پیچیدگی کاربردشان را پنهان سازد. [۱۲] زیرا تنها در شرایطی می توان ارجاع صحیح این مختصات را فهمید که مخاطب و پدید آورنده ی متن از دانش محیطی واحد و یا از تجربیات برابری برخوردار باشند.

۱-۳-۶- مورد اشاره ؛ برای فهم این، آن و اینها در رابطه با این مختصه نیز باید مخاطب و پدیدآورنده از دانش محیطی برابری برخوردار باشند تا موارد اشاره بتواند خود را بصورت واضح آشکار گرداند.

۱-۳-۷- مطالب گذشته؛ برای فهم عباراتی چون (بر اساس آنچه گفته شد...)، (با توجه به صحبت های قبلی...) البته باید در نظر داشت که این مختصه در قالب بافت درون زبانی قابل طرح است.

۱-۳-۸- تخصیص، برای فهم مجموعه ی نامحدودی از چیزها، فلان ها و... که در جریان گفتگو محیط اطراف را تشکیل داده اند. البته این مختصه نیز در برخی موارد در قالب بافت زبانی و ارجاع قابل بررسی است و در برخی موارد نیز به اطلاعات موقعیتی متن برای رسیدن به مصداق صحیح آنها نیاز است.

۱-۳-۹- معادل یابی مختصات هایمز و لوئیس با مفاهیم موجود در مطالعات قرآنی

در مطالعات قرآنی می توان آنچه را هایمز و لوئیس به عنوان مختصات، بافت برون زبانی یا بافت موقعیت مطرح کرده اند، در توجه به موارد زیر تحقق یافته دانست:

۱-۳-۱۰- جهان ممکن، مختصه ای که برای تعبیر صورت هایی نظیر (فرض کن، و...) باید در نظر گرفته شود. مفاهیمی که آیات قرآن بیان داشته اند، هدفی جز هدایت نوع انسان ها از آن ها حاصل نمی آید. این مفاهیم، ناظر به دو مرحله از زندگی آدمیان می باشد: دنیا و آخرت؛ از همین رو مخاطب آیات قرآن، باید این دقت را لحاظ گرداند که مجموعه آیاتی که تلاوت می کند در کدام مرحله از زندگی اش می تواند مؤثر باشد و با این دقت نظر، جهان پیرامون آن آیه را ترسیم نموده و هدایت لازم را بکارگیرد. البته باید توجه داشت که زندگی اخروی انسان ها محصولی

عمده ای ایفا نمی کند. هایمز این گونه تعاملات را موقعیت های گفتاری می نامد. در واقع رویداد گفتاری که ریشه در عوامل و شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد، تعیین کننده قوانین حاکم بر تعاملات زبانی است. [۴]

هایمز به تقلید از فرث، مختصاتی را برای بافت برون زبانی در نظر می گیرد که در تعبیر معنایی گفتگو دخیل اند. وی در این خصوص به گوینده، شنونده، موضوع، موقعیت زمانی و مکانی، مجرای ارتباطی، رمزگان شکل پیام و رویداد، اشاره می کند و در بازبینی های بعدی خود، افراد حاضر و شاهد گفتگو، ابزارهای ارزش گذاری و هدف از گفتگو را به مختصات اولیه می افزاید. [۱۰]

آنچه هایمز مطرح کرده، لوئیس (D.Lewis) به شکل منسجم تر و فهرست وارتر ولی با همان توجهات، برای نشان دادن نقش بافت برون زبانی در فهم متن، اینگونه بیان نموده است:

۱-۳-۱- جهان ممکن، مختصه ای که برای تعبیر صورت هایی نظیر (فرض کن که و...)، (انگار که...)، (می شود اینطور تلقی کرد که...) باید در نظر گرفته شود.

۱-۳-۲- زمان، برای فهمیدن صورت هایی نظیر امروز، فردا، هفته بعد و... در نظر گرفته می شود، در این باره به نمونه های زیر توجه فرمائید:

الف: دیروز به خانه علی رفتم.

ب: بعدا جوابش را می دهم.

ج: امروز به دانشگاه برو.

د: پنج ماه بعد با او قرار دارم.

همانطور که ملاحظه می شود شنونده برای درک زمان گوینده، باید زمان تولید جمله های بالا را دریافت کند. [۱۱]

۱-۳-۳- مکان، برای فهمیدن شاخص هایی چون اینجا، آنجا، و قید های مکانی چون آن طرف، این طرف و... در این باره به نمونه های زیر توجه فرمائید:

الف: کتاب هایت را گذاشتند این جا.

ب: لباسهایت را بگذار آن جا.

ج: آن کفش ها را بگذار آن بالا.

د: آنها نشسته اند آن جلو.

ه: آن بیل را گذاشتند آن عقب.

نمونه های بالا، بیانگر آن است که «اینجا»، «آنجا»، «آن پشت»، «آن طرف»، «آن عقب»، «آن بالا» و... همه شاخص های مکانی به حساب آمده و در تمامی این موارد، مخاطب برای درک منظور گوینده باید به مورد اشاره توجه نماید. [۱۱]

۱-۳-۴- گوینده، برای فهمیدن صورت هایی چون من و ما

است که در زندگی دنیوی کاشته ایم.

۱-۳-۲ و ۱-۳-۳ و ۱-۳-۶ و ۱-۳-۷ و ۱-۳-۸. زمان، برای فهمیدن صورت‌هایی نظیر امروز، فردا... و مکان، برای فهمیدن اینجا، آن طرف... و مورد اشاره، برای فهم این و آن و مطالب گذشته، برای فهم عباراتی چون بر اساس و تخصیص، برای فهم مجموعه‌ی نامحدودی از چیزها، فلان ها و...

تطبیق موارد فوق، با مباحث مورد اعتنا در سیاق حالیه به شرح زیر است:

توجه به زمان و مکان در موارد بسیاری با توجه به بافت درون زبانی پاسخگوست و در غیر این صورت می‌توان زمان و مکان مخاطب را ذیل عنوان مکی و مدنی بودن آیات مورد بررسی قرار داد. از سوی دیگر توجه به شأن نزول و سبب نزول می‌تواند پاسخگوی موارد مورد اشاره و تا حدودی مطالب گذشته و تخصیص باشد.

در تبیین دو اصطلاح شأن نزول و سبب نزول باید گفت که «سبب نزول» رویداد یا پرسشی است که به اقتضای آن قسمتی از قرآن کریم، همزمان یا در پی آن نازل شده، و زمینه نزول را فراهم آورده است. [۱۳] مانند آنچه از رسول خدا(ص) در رابطه با سبب نزول آیه «إِنَّ الصَّافِيَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» (بقره/۱۵۸) برآستی که (کوه) «صفا» و «مره» از نشانه‌های خداست پس کسی که خانه [خدا] را، حج کند یا عمره به جا آورد، پس هیچ گناهی بر او نیست، که به [میان] آن دو، سعی (رفت و آمد) کند و کسی که [فرمان خدا را در انجام کار] نیک بپذیرد، پس در حقیقت خدا، سپاسگزاری داناست.»

با این مضمون نقل شده است که مشرکین شرط نموده بودند بت‌ها را از میانه صفا و مره بردارند، تا حضرت و اصحابش آن «سعی» کنند، اما در این میان مردی از اصحاب ایشان، هنوز سعیش تمام نشده بود که مشرکین دوباره بت‌ها را به جای خود برگرداندند، در نتیجه این مسئله پیش آمد که آیا سعی آن مرد صحیح است و یا بخاطر حضور بت‌ها باطل شده؟ لذا این آیه شریفه در پاسخ این سؤال نازل شد. [۱۴]

و «شأن نزول» واقعه‌ای است که بخشی از قرآن کریم درباره آن نازل شده، مانند داستان ابرهه که شأن نزول سوره فیل است. [۱۳] و در مواردی برای آگاهی از جزئیات مطرح شده در آیه، سبب نزول و شأن نزول سودمند و کارگشاست.

البته برخی آیات نظیر آیه ۸۹ سوره مبارکه بقره اشاره به داستان‌های اقوام گذشته و تعالیم کتب آسمانی دارد که برای فهم صحیح آن آیات باید آشنایی با محتوای کتب

آسمانی گذشته وجود داشته باشد. صرف نظر از موارد بیان شده با توجه به اینکه در برخی موارد صحت روایاتی که راجع به مکی و مدنی یا سبب نزول آیه و سوره می‌باشند دشوار است باید تحلیل متن از دو جهت صورت پذیرد، بدین معنا که همچنان که از بیرون متن یعنی سیاق اجتماعی به ساختار داخلی متن می‌توان راه یافت از درون متن یعنی ساختمان درونی و روابط کل اجزاء آن نیز می‌توان به بیرون نظر انداخت و سیاق اجتماعی را از خلال آن بدست آورد. [۱۵]

همچنین مفسر می‌تواند با استناد بر سیاق آیات، دلایل عدم انطباق سبب نزول و مکی یا مدنی بودن آیات را تشخیص دهد و از تداخل معانی ناهماهنگ در تفسیر آیات بپرهیزد و با حذف اقوال غیر مرتبط، شرایط مناسب تری را برای تفسیر آیات فراهم نماید. این شیوه در میان تفاسیر المنار و المیزان متداول است.

نگارنده تفسیر المنار، در تحلیل دلالت‌های قرآن، سیاق آیات و نظم قرآن را بر اسباب نزولی که باعث تکه تکه کردن آیات می‌شود مقدم می‌داند. [۹] علامه طباطبایی نیز هر گونه ناسازگاری و تعارض اسباب نزول با ویژگی‌های سیاقی و لفظی کلام را دلیلی بر عدم انطباق و رد آن روایت تلقی می‌کند. [۱۴]

به عنوان نمونه، علامه طباطبایی سیاق آیات هفتم تا دوازدهم سوره مبارکه یس را با روایات سبب نزول وارد شده منطبق نمی‌داند و معتقد است که آیات مذکور دارای سیاقی هماهنگ و منسجم بوده و حال دو گروه از مردم را بیان می‌کند: گروهی که امر خداوند بر آنان حتمی و ثابت شده و ایمان نخواهند آورد و عده‌ای دیگر که از قرآن پیروی می‌نمایند و در برابر پروردگارشان خاشع هستند.

و در مقام انتقاد بر سبب نزول‌های مطرح شده بیان می‌دارند که این محتوا چه ارتباطی با قصه‌های بیان شده، دارد و چگونه می‌توان آیه «لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰی أَكْثَرِهِمْ...» (یس/۷) را که سخن از اکثریت مردم دارد، بر مردم انذار شده، حمل کرد و آیه «إِنَّا جَعَلْنَا فِيْ أَعْنَاقِهِمْ...» (یس/۸) و آیه «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا...» (یس/۹) را بر داستان ابو جهل و نزدیکان او و آیه «سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ...» (یس/۱۰) را بر داستان رهطه، و جمله «وَوَكُنْتُمْ مَّا قَدَّمْتُمُوْا وَآثَارَهُمْ...» (یس/۱۲) را بر داستان جمعی از انصار در مدینه حمل کرد. این داستان‌ها در سیاق و نظم آیات اختلال ایجاد می‌کند. [۱۴]

۱-۳-۴- گوینده، برای فهمیدن صورت‌هایی چون من و ما گوینده‌ی متن قرآن، خداوند متعال است و همانطور که الله در قرآن کریم در بیان معنای ظاهری خود، به روش

با در نظر گرفتن نظرات سه زبانشناس مطرح در این عرصه و با کاربردی نمودن مختصات ارائه شده توسط آنان در استفاده از بافت موقعیت می توان به تحولی در مطالعات قرآنی دست یافت.

باید دانست که مفسران و قرآن پژوهان، با این مباحث بیگانه نبوده اند و به بافت موقعیت - آنجا که به بحث مکی و مدنی، سبب نزول و شأن نزول، مخاطبان قرآن و اطلاعات فرهنگی مردم نزول قرآن پرداخته اند - نظر داشته اند. از همین رو می توان با توجه به سابقه بحث در میان علمای تفسیر و نظرات نوین زبان شناسان درباره بافت موقعیت، به کاربردی نمودن این مباحث در مطالعات قرآنی امیدوارتر بود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: رضایی و همکاران
۱. ساغروانیان، جلیل، فرهنگ اصطلاحات زبان شناسی، چاپ اول، نشر نما، مشهد، ۱۳۶۹
 ۲. صفوی، کوروش، فرهنگ توصیفی معناشناسی، چاپ اول، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۴
 ۳. صدر، محمدباقر، درس فی علم الاصول، الطبعة الثانية، دارالکتاب المصری، قاهره، ۱۹۷۸م
 ۴. آقا گل زاده، فردوس، تحلیل گفتمان انتقادی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۵
 ۵. حسان، تمام، اللغة العربیة معناها و مبناها، بی چا، دارالبیضاء، بی تا
 ۶. شاطبی، ابراهیم بن موسی، الموافقات فی اصول الشریعة، بی چا، دار الباز للنشر و التوزیع، مکه المکرمة، بی تا
 ۷. پالمیر، فرانک، نگاهی تازه به معنی شناسی، مترجم: کوروش صفوی، چاپ سوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۱
 ۸. خولی، امین، مناهج التجدید فی النحو و البلاغة و التفسیر و الادب، چاپ اول، دارالمعرفة، بیروت، ۱۹۶۱م
 ۹. رشید رضا، محمد، و محمد عبده، تفسیر المنار، ج ۱ و ۲، الطبعة الثانية، دارالمعرفة، بیروت، بی تا
 ۱۰. صفوی، کوروش، معنی شناسی کاربردی، چاپ اول، انتشارات همشهری، ۱۳۸۲
 ۱۱. صفوی، کوروش، درآمدی بر معناشناسی، چاپ سوم، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۳
 ۱۲. یول، جورج، کاربرد شناسی زبان، مترجم: محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳
 ۱۳. رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۳
 ۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر

گفتگوی مردم و بر طبق اصول عقلایی محاوره سخن گفته است مردم نیز برای فهم مدلول ظاهری آیات قرآن، باید به صفات باری تعالی توجه داشته باشند و معنای ظاهری الفاظ و عبارات با توجه به اینکه گوینده ی آن خدای دانا به همه چیز و منزه از نواقص و نقایص و از جمله اشتباه، خلاف گوئی و تزویر است، به دست آید. [۱۳]

نتیجه آن که در بررسی متن قرآن، قرآن پژوه برای شناخت گوینده ی متن، دارای مشکل نمی باشد.

با این بیان، حتی اگر در عبارت، تصریحی به من و ما نیز نشده بود باز هم گوینده خداوند متعال می باشد چه عبارت در غالب جمله ی اسمیه، مانند: «هو الله احد» (توحید/۱) یا مجهول، مانند: «قیل للذین اتقوا...» (نحل/۳۰) و یا بیان غیر مستقیم «لو أراد الله...» (زمر/۴) و... باشد و باید دانست که این نتیجه با توجه به نظر اکثریت اندیشمندان حوزه قرآن که تک تک عبارات، کلمات و حروف قرآن را وحی الهی می دانند قابل اثبات است.

۱-۳-۵- مخاطب، برای فهم صورت هایی چون تو و شما پی بردن به آن دسته از ویژگی های مخاطب کلام که گوینده ی سخن از آن ویژگی ها آگاهی کامل دارد لازم است، زیرا گوینده آگاه به ویژگی های مخاطب، از سخن خود معانی ناسازگار با آن ویژگی ها را اراده نمی کند. از جمله آیه هایی که تأثیر این ویژگی در آنها به خوبی نمایان است، آیاتی است که پیامبر گرامی اسلام (ص) را با لحن عتاب آمیز یا تهدید کننده ای مورد مخاطب قرار می دهد. [۱۴] که در این موارد با توجه به صفات و ویژگی های حضرت رسول (ص) می توان به تفسیر صحیحی از آیه دست یافت.

از سوی دیگر برخی خطابات بکار رفته در آیات، به قوم و گروهی خاص بازگشت می کند که سیاق آیات، خود بیانگر آن می باشد. در برخی موارد نیز سبب نزول و شأن نزول، مخاطبان آیه را مشخص می سازد که با توجه به این مهم که سبب نزول و شأن نزول خاص کننده خطاب آیه به همان گروه خاص نمی باشند می توان مخاطبان آن آیات را نیز عموم مردم در نظر گرفت.

پس در نهایت باید گفت که مخاطب اولیه قرآن، حضرت رسول (ص) می باشد و در درجه دوم عموم مردم که در پی دستیابی به هدایت می باشند.

نتیجه

مباحث مربوط به بافت موقعیت (بافت برون زبانی) نه تنها از لحاظ تعریف بلکه از نظر انواع دارای شباهت فراوانی به سیاق حالیه و مقام در مطالعات قرآنی می باشد که در پژوهش به عمل آمده به آنها اشاره گردید، در همین زمینه

القرآن، ج ۱ و ۱۷، چاپ پنجم، دفتر انتشارات اسلامی
جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۴۱۷ هـ ق
۱۵. عموش، خلود، الخطاب القرآنی دراسه فی العلاقه بین
النص و السياق، چاپ اول، عالم الکتب الحدیث، اردن، ۱۴۲۶

